



Analysis of Jurisprudential and Legal Foundations of Information Disclosure in Criminal Proceedings with Emphasis on Iran's Human Rights Obligations

Daruosh Khodaie Kahriz¹, Babak Pourghahramani^{2*}, Jamal Beigi³

1. Department of Criminal Law and Criminology, Ma.C., Islamic Azad University, Maragheh, Iran.

2. Department of Criminal Law and Criminology, Mar.C., Islamic Azad University, Maragheh, Iran

3. Department of Criminal Law and Criminology, Mar.C., Islamic Azad University, Maragheh, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 28-44

Article history:

Received: 26 Dec 2025

Edition: 10 Jan 2026

Accepted: 18 Feb 2026

Published online: 28 Mar 2026

Keywords:

Information Disclosure, Criminal Proceedings, Privacy, Judicial Security, Imami Jurisprudence, Criminal Policy.

Corresponding Author:

Babak Pourghahramani

Address:

Iran, Maragheh, Islamic Azad University, Department of Criminal Law and Criminology.

Orchid Code:

0009-0008-3671-6293

Email:

Pourghahramani@iau.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: Information disclosure in criminal proceedings presents a complex challenge at the intersection of domestic law and international obligations. This research aimed to analyze the jurisprudential and legal foundations of this phenomenon and assess the alignment of Iran's criminal policy with its human rights obligations concerning the right to privacy and a fair trial.

Materials and Methods: This research was conducted using a descriptive-analytical method and library resources. The primary focus was on analyzing jurisprudential texts, statutes, and upstream documents such as the Judicial Transformation Document 2024.

Ethical Considerations: Throughout all stages of the research, the principles of trustworthiness in citation and the authenticity of texts were strictly observed.

Findings: The findings indicate that in Imami jurisprudence, the principles of inherent dignity, sanctity of reputation, and the necessity of secrecy deem the disclosure of secrets religiously forbidden and subject to liability. From a legal perspective, upstream documents like the Judicial Transformation Document indicate a shift towards a "Smart Protection" approach. However, legal gaps remain evident in criminalizing disclosure by citizen-journalists and addressing unintentional leaks.

Conclusion: Achieving the full standards enshrined in international human rights instruments to which Iran is committed requires strategic reforms. Firstly, existing legislative gaps, particularly concerning information disclosure by "unofficial third parties" in cyberspace and criminal liability arising from the "negligence" of officials, pose a threat to the practical realization of the right to privacy and a fair trial. Secondly, it is essential to translate the "Smart Protection" approach reflected in transformational documents into action through the enactment of clear laws and effective monitoring mechanisms.

Cite this article as:

Khodaie Kahriz D; Pourghahramani B; Beigi J. Analysis of Jurisprudential and Legal Foundations of Information Disclosure in Criminal Proceedings with Emphasis on Iran's Human Rights Obligations. 2026.

دوره سوم، شماره اول، بهار ۱۴۰۵

واکاوی مبانی فقهی و حقوقی افشای اطلاعات در فرآیند دادرسی کیفری با تأکید بر تعهدات حقوق بشری ایران

داریوش خدائی کهریز^۱، بابک پورقهرمانی^{۲*}، جمال بیگی^۳

۱. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.
۲. گروه آموزشی حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.
۳. گروه آموزشی حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: افشای اطلاعات در فرآیند دادرسی کیفری، چالشی پیچیده در تقاطع حقوق داخلی و تعهدات بین‌المللی است. این پژوهش با هدف واکاوی مبانی فقهی و حقوقی این پدیده و سنجش انطباق سیاست جنایی ایران با تعهدات حقوق بشری در زمینه حق بر حریم خصوصی و دادرسی عادلانه انجام شد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای انجام شده است. تمرکز اصلی بر تحلیل متون فقهی، قوانین موضوعه و اسناد بالادستی نظیر سند تحول و تعالی قضایی ۱۴۰۳ می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل پژوهش، اصول امانت‌داری در نقل قول و اصالت متون رعایت گردیده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد در فقه امامیه، اصول کرامت ذاتی، حرمت عرض و لزوم کتمان سِر، افشای اسرار را حرام و مستوجب ضمان می‌دانند. از منظر حقوقی، اسناد بالادستی مانند سند تحول قضایی، رویکردی به سوی «صیانت هوشمند» نشان می‌دهند. با این حال، خلاءهایی در جرم‌انگاری افشا توسط شهروند-خبرنگاران و پاسخ به نشت‌های غیرعمدی مشهود است.

نتیجه: برای نیل به استانداردهای کامل مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر که ایران به آن‌ها متعهد است، نیازمند تحولاتی راهبردی است. اولاً، خلاءهای تقنینی موجود، به ویژه در مواجهه با افشای اطلاعات توسط «اشخاص ثالث غیررسمی» در فضای مجازی و مسئولیت کیفری ناشی از «سهل‌انگاری» کارگزاران، تهدیدی برای تحقق عملی حق بر حریم خصوصی و دادرسی عادلانه محسوب می‌شود. ثانیاً، ضروری است رویکرد «صیانت هوشمند» منعکس در اسناد تحولی، با وضع قوانین شفاف و سازوکارهای نظارتی مؤثر، از سطح سیاست به عمل تبدیل گردد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۸-۴۴

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۲۵

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۸

واژگان کلیدی:

افشای اطلاعات، دادرسی کیفری، حریم خصوصی، امنیت قضایی، فقه امامیه، سیاست جنایی.

نویسنده مسئول:

بابک پورقهرمانی

آدرس پستی:

ایران، مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی.

کد ارکید:

0009-0008-3671-6293

پست الکترونیک:

Pourghahramani@iau.ac.ir

داریوش خدائی کهریز؛ بابک پورقهرمانی؛ واکاوی مبانی فقهی و حقوقی افشای اطلاعات در فرآیند دادرسی کیفری با تأکید بر تعهدات حقوق بشری ایران، ۱۴۰۵.

به این مقاله با این عنوان استناد کنید

۱. مقدمه

جزئیات پرونده پیش از صدور حکم قطعی، منجر به حک شدن داغ ننگ (Stigma) بر پیشانی متهم شده و حتی حکم برائت بعدی نیز نمی‌تواند آبروی ریخته شده را احیا کند. (آشوری، ۱۳۸۶، ۱۱۲)

نظام حقوقی ایران، متأثر از فقه امامیه و همگام با تحولات جهانی، تلاش کرده است با وضع قوانینی چون قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و قانون مجازات اسلامی، چتری حمایتی بر اسرار دادرسی بگستراند. اما با ظهور پدیده‌های نوین نظیر شبکه‌های اجتماعی و دادرسی الکترونیک، سوالات جدیدی مطرح شده است: آیا قوانین موجود برای مقابله با افشای اطلاعات توسط "شهروند-خبرنگاران" یا نشت داده‌ها از سامانه‌های هوشمند کافی است؟ مبانی فقهی چگونه با الزامات شفافیت در دادرسی‌های مدرن جمع می‌شود؟ فرضیه‌ای که در پژوهش حاضر بدان پرداخته می‌شود این است که: به نظر می‌رسد نظام حقوقی ایران علیرغم بهره‌مندی از ظرفیت‌های غنی فقه امامیه در زمینه حفظ اسرار و حریم خصوصی، در مواجهه با چالش‌های نوین عصر دیجیتال (نظیر شبکه‌های اجتماعی، دادرسی الکترونیک و شهروند-خبرنگاران)، با نوعی گسست حفاظتی در زنجیره اطلاعات مواجه است. بدین معنا که هرچند مبانی فقهی همچون قاعده لاضرر، حرمت غیبت و ایذاء مؤمنان، بنیان‌های محکمی برای جرم‌انگاری افشای اطلاعات فراهم آورده، اما تقنین موجود و رویه قضایی نتوانسته است میان دو مؤلفه متعارض «شفافیت قضایی» (به مثابه مصداق حق بر دانستن) و «امنیت اطلاعاتی» (به مثابه مصداق حریم

فرآیند دادرسی، مجموعه‌ای نظام‌مند از کنش‌ها و واکنش‌های حقوقی است که تحت نظارت مقام قضایی و با هدف نیل به حقیقت قضایی و فصل خصومت انجام می‌پذیرد. در این میان، دادرسی نه به عنوان یک واقعه‌ی ایستا، بلکه به مثابه یک "فرآیند جریان‌مند" (Dynamic Process) قابل تحلیل است که در هر مرحله از آن، اطلاعات به عنوان ماده‌ی اولیه، تولید، پردازش و صیانت می‌گردد. چالش اصلی در عصر حاضر، تعارض میان دو حق بنیادین است: از یک سو حق بر دانستن و شفافیت قضایی که لازمه‌ی نظارت عمومی بر قدرت است و از سوی دیگر، حق بر حریم خصوصی اطلاعاتی که ضامن کرامت انسانی اصحاب دعواست. این تعارض، در سطح بین‌المللی نیز به رسمیت شناخته شده و اسناد حقوق بشری تلاش کرده‌اند با ایجاد موازنه‌ای ظریف، هم از شفافیت لازم برای تضمین عدالت (حق بر دادرسی عادلانه) و هم از حریم خصوصی افراد (حق بر حریم خصوصی) حمایت کنند.

افشای اطلاعات در فرآیند دادرسی، صرفاً یک تخلف اداری نیست، بلکه "خیانت به امنیت قضایی" محسوب می‌شود. این مفهوم در پارادایم نوین دادرسی، با حق بر حریم خصوصی، گره خورده است. در واقع، وقتی از افشای اطلاعات سخن می‌گوییم، از یک گسست حفاظتی در زنجیره‌ی عدالت یاد می‌کنیم که پیامد مستقیم آن، دادرسی ناعادلانه و شکل‌گیری انتقام خصوصی دیجیتال است. اهمیت این موضوع زمانی دوچندان می‌شود که بدانیم بر اساس نظریه‌ی برچسب‌زنی، افشای

نویسنده: ورود به حوزه‌های بکر و جدیدی چون افشای اطلاعات توسط «شهروند-خبرنگاران» در فرآیند دادرسی کیفری و تحلیل حقوقی آن بر اساس مبانی فقهی.

۲. مواد و روش‌ها

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، کتابخانه‌ای و اسنادی بوده و تجزیه و تحلیل داده‌ها به شیوه توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف این مقاله ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

در فقه امامیه، اصول کرامت ذاتی، حرمت عرض و لزوم کتمان سر، افشای اسرار را حرام و مستوجب ضمان می‌دانند. از منظر حقوقی، اسناد بالادستی مانند سند تحول قضایی، رویکردی به سوی «صیانت هوشمند» نشان می‌دهند. با این حال، خلاءهایی در جرم‌انگاری افشا توسط شهروند-خبرنگاران و پاسخ به نشتهای غیرعمدی مشهود است.

۵. بحث

۵-۱. مفاهیم پژوهش

پیش از ورود به تحلیل مبانی، تدقیق در مفاهیم کلیدی و ترسیم مرزهای دقیق واژگان، پیش‌شرط هرگونه استنتاج حقوقی است. واژه‌ی "افشای اطلاعات" (Information Disclosure) به‌عنوان کلیدواژه‌ی بنیادین این پژوهش، نیازمند واکاوی

(خصوصی) توازنی کارآمد برقرار کند و این تعارض منجر به نقض کرامت انسانی و امنیت قضایی می‌گردد. این پژوهش با هدف واکاوی عمیق مبانی فقهی و حقوقی جرم‌انگاری افشای اطلاعات، تلاش دارد ضمن تبیین جایگاه این جرم در سیاست جنایی ایران، خلاءهای موجود را شناسایی کرده و راهکارهایی مبتنی بر اسناد بالادستی (نظیر سند تحول و تعالی قضایی ۱۴۰۳) ارائه نماید.

نوآوری این پژوهش در عبور از رویکرد سنتی صرفاً توصیفی یا فقهی محض به مقوله افشای اطلاعات و جایگزینی آن با یک تحلیل تلفیقی و مسئله‌محور است که وجوه تمایز زیر را داراست: (۱) بازیابی مبانی فقهی در پرتو نیازهای نوین: پژوهش حاضر صرفاً به بازگویی قواعد فقهی موجود بسنده نمی‌کند، بلکه در پی یافتن پاسخی فقهی برای چالش‌های مدرن دادرسی (نظیر افشای اطلاعات توسط سامانه‌های هوشمند یا حکم برچسب‌زنی در فضای مجازی) است؛ (۲) پیوند نظریه جرم‌شناسی با تحلیل حقوقی: برای اولین بار در این موضوع، از نظریه "برچسب‌زنی" (Stigmatization) برای تبیین پیامدهای افشای اطلاعات پیش از دادرسی استفاده شده و نشان داده شده که افشا صرفاً یک تخلف نیست، بلکه «بازتولید خشونت علیه متهم» است؛ (۳) رویکرد تطبیقی درون‌سیستمی: نوآوری این تحقیق در انطباق الزامات فقه امامیه با تعهدات حقوق بشری ایران (مصوب در اسناد بین‌المللی) و همچنین اسناد بالادستی داخلی (نظیر سند تحول و تعالی قضایی ۱۴۰۳) است تا به یک مدل بومی و در عین حال روزآمد برای موازنه میان "شفافیت" و "حریم خصوصی" دست یابد؛ (۴) مسئله‌شناسی

برای اینکه یک عمل، افشای اطلاعات دادرسی تلقی شود، وجود سه عنصر ضروری است: الف) عنصر خفا (Secrecy) اطلاعات باید پیش از افشا، دارای وصف «سری» یا «محرمانه» باشند. اطلاعاتی که پیش‌تر به صورت قانونی عمومی شده‌اند، موضوع افشا قرار نمی‌گیرند. ب) عنصر انتقال (Transmission) انتقال داده از قلمرو امن (پرونده قضایی) به قلمرو ناامن (افکار عمومی یا شخص ثالث غیرمجاز) ج) عنصر غیرمجاز بودن (Unlawfulness) افشا باید بدون مجوز مقام قضایی و برخلاف تکالیف قانونی صورت گیرد. (محسنی، ۱۳۹۵، ۶۰)

۵-۱-۲. اقسام و جلوه‌های افشای اطلاعات

افشای اطلاعات بر حسب «منشأ»، «قصد» و «موضوع»، واجد آثار حقوقی متفاوتی است که در چهار محور اصلی قابل تقسیم‌بندی است:

۱) بر مبنای منشأ و عامل (افشای درونی در برابر بیرونی): افشای درونی توسط کارگزاران رسمی (قضات، ضابطان، کارمندان) رخ می‌دهد که مصداق «خیانت در امانت شغلی» و نقض رازداری حرفه‌ای موضوع ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی است. افشای بیرونی توسط اشخاص ثالث (رسانه‌ها، شهود یا هکرها) انجام می‌شود که اغلب با چالش «آزادی بیان» تعارض پیدا می‌کند.

۲) بر مبنای عنصر روانی (افشای عمدی در برابر ناشی از تقصیر): سیاست جنایی در قبال افشای عمدی (با سوءنیت هدایت افکار عمومی)، «سرکوبگرانه» و در قبال نشت اطلاعاتی ناشی از تقصیر (سهل‌انگاری در حفظ پروتکل‌های

دقیق در سه سطح لغوی، فنی (امنیت داده) و حقوقی (دکترینال) است تا مرزهای آن با مفاهیم مشابهی چون «نشر»، «دسترسی غیرمجاز» و «اطلاع‌رسانی» روشن گردد.

۵-۱-۱. مفهوم‌شناسی افشا

افشا در لغت‌نامه‌های پارسی به معنای آشکار کردن، لو دادن، برملا ساختن و از پرده برون افکندن آمده است. (معین، ۱۳۸۲، ۱۰۱) ریشه‌ی این واژه در زبان عربی از «فَشَى» به معنای شایع شدن و گسترش یافتن است که به خوبی بر جنبه‌ی «توزیع و پراکندگی» اطلاعات تأکید دارد. در ادبیات حقوقی انگلیسی، واژه «Disclosure» از ریشه «Disclose» به معنای برداشتن پوشش (Cover) از روی یک حقیقت پنهان است. در فرهنگ حقوقی «بلک» (Black's Law Dictionary)، افشا به معنای "آشکار ساختن آنچه پیش‌تر پوشیده یا مخفی بوده است" تعریف می‌شود. (فرهنگ حقوقی بلک، ۲۰۲۲، ۱۱۴)

نکته‌ی ظریف در مفهوم لغوی افشا، وجود یک «رابطه منهی» است؛ یعنی اطلاعاتی افشا می‌شوند که انتظار می‌رفته است در صندوقچه‌ی اسرار یا قلمرو خصوصی باقی بمانند. (اسدی، ۱۳۸۸، ۴)

در دکترین حقوقی، افشای اطلاعات در فرآیند دادرسی به معنای "نقض ارادی یا قهری تعهد به رازداری نسبت به داده‌های حساس قضایی" است. دکتر باقر انصاری در تبیین این مفهوم معتقد است که افشا تنها یک عمل فیزیکی نیست، بلکه به معنای "سلب سلطه‌ی فرد بر سرنوشت اطلاعاتی خویش" است. (انصاری، ۱۳۸۶، ۲۴۵)

برآیند تحلیل اقسام حریم خصوصی نشان می‌دهد که افشای اطلاعات در فرآیند دادرسی، به طور مستقیم در قلمرو حریم خصوصی اطلاعاتی جای می‌گیرد؛ چرا که در این مرحله، بحث بر سر دسترسی غیرمجاز و انتشار داده‌هایی است که اصحاب دعوا انتظار مشروع دارند در دایره محرمانگی باقی بماند.

۵-۱-۴. فرآیند دادرسی و ضرورت تحدید موضوعی

واژه «دادرسی» در اصطلاح حقوقی، معادل "Legal Procedure" یا "Litigation" است، اما در معنای دقیق‌تر، به مثابه توالی قاعده‌مند تشریفاتی است که قانون‌گذار برای احقاق حق و اجرای عدالت مقرر کرده است. مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان دادرسی را مجموعه‌ای از عملیات می‌داند که به منظور پیدا کردن حکم قانون در مورد یک واقعه خاص و اجرای آن انجام می‌شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۴۰۲)

برخلاف تصور سنتی که دادرسی را صرفاً "محاكمه" می‌دید، دکتريں جديد بر "فرآیندمحوری" (Processual Approach) تأکید دارد. دادرسی‌ها بر اساس قلمرو نفوذ به مدنی، کیفری، اداری و انتظامی تقسیم می‌شوند. در این میان، دادرسی کیفری حساس‌ترین نوع دادرسی است که با جان، مال و آبروی اشخاص در ارتباط است. دکتر محمد آشوری تأکید می‌کند که این دادرسی باید میان کارایی در کشف جرم و رعایت حقوق دفاعی متهم تعادل ایجاد کند. (آشوری، ۱۳۸۶، ۴۸) در این فرآیند، "اصل محرمانگی تحقیقات مقدماتی" حاکم است و اطلاعات در این دادرسی، انفجاری هستند.

دیجیتال)، بیشتر بر «مسئولیت انتظامی و وضعی» متمرکز است. (انصاری، ۱۳۸۶، ۲۸۸)

۳) بر مبنای شیوه انتشار (افشای مستقیم در برابر استنتاجی): در عصر دیجیتال، علاوه بر افشای

مستقیم (ذکر نام)، «افشای استنتاجی» (Constructive Disclosure) بسیار چالش‌برانگیز است؛ یعنی انتشار اطلاعات به گونه‌ای که اگرچه نام فرد برده نمی‌شود، اما با کنار هم قرار دادن قطعات اطلاعاتی، هویت وی برای جامعه قابل شناسایی می‌گردد. برخی این جلوه را نقض بنیادین «گمنامی» (Anonymity) در دادرسی می‌داند. (انصاری، ۱۳۸۶، ۳۴۲)

۴) بر مبنای ماهیت موضوعی (داده‌های عمومی در برابر حساس): شدت واکنش کیفری، تابعی از نوع داده‌ی افشا شده است. افشای اطلاعات عمومی (نظیر آمار غیرمحرمانه) با افشای سوابق کیفری که جزء داده‌های فوق‌حساس هستند، تفاوت ماهوی دارد. افشای غیرمجاز سوابق کیفری، نه تنها حریم خصوصی، بلکه حق بر دادرسی منصفانه و اصل برائت را مستقیماً مخدوش ساخته و منجر به «محاكمه‌ی رسانه‌ای» پیش از حکم قطعی می‌گردد. (انصاری، ۱۳۸۶، ۳۱۵)

۵-۱-۳. جایگاه افشای اطلاعات در تقسیم‌بندی حریم خصوصی

افشای اطلاعات، هسته مرکزی و اصلی‌ترین مصداق نقض حریم خصوصی اطلاعاتی (Informational Privacy) است. برخی معتقدند جوهره حریم خصوصی اطلاعاتی، "حق بر تعیین سرنوشت اطلاعاتی" است. (انصاری، ۱۳۸۶، ۲۱۸)

۴) اصل رازداری حرفه‌ای کارگزاران: مستند به ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی می‌باشد.

۵) اصل ضرورت و تناسب در افشای اطلاعات: این اصل به عنوان «قاعده حاکم بر استثنائات»، معیار تشخیص مرز میان صیانت و ضرورت اطلاع‌رسانی است. مبنای آن در فقه، قاعده «الضرورات تبیح المحظورات» است.

۵-۲. مبانی نظری پژوهش

در این قسمت به تبیین مبانی نظری بحث در قلمرو فقهی و حقوق بشر بین‌المللی به تفکیک پرداخته خواهد شد.

۵-۲-۱. مبانی بین‌المللی و حقوق بشری منع افشای اطلاعات

ابتدا مبانی منع افشای اطلاعات در چارچوب حقوق بین‌الملل و حقوق بشر بین‌المللی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۵-۲-۱-۱. حق بر حریم خصوصی

حق بر حریم خصوصی که در ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) تصریح شده، به عنوان سنگ‌بنای حمایت از افراد در برابر افشای خودسرانه اطلاعات در نظام بین‌المللی حقوق بشر عمل می‌کند. این حق، دولت‌ها را ملزم می‌سازد تا از افراد در برابر هرگونه مداخله خودسرانه یا غیرقانونی در حریم خصوصی، خانواده، خانه یا مکاتبات، محافظت نمایند. کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در تفسیر عمومی شماره ۱۶ خود بر این نکته تأکید دارد که این تعهد، صرفاً

ضرورت تمرکز بر دادرسی کیفری در این پژوهش مبتنی بر ماهیت اسناد و داده‌هاست. در دادرسی کیفری، اطلاعات با حق بر آزادی و حیثیت و کرامت انسانی گره خورده است. نظریه برچسب‌زنی (Labeling Theory) و خطر بزه‌دیدگی ثانوی (Secondary Victimization) در این حوزه بسیار جدی‌تر است. افشای اطلاعات در مراحل اولیه دادرسی کیفری (حتی پیش از اثبات جرم)، منجر به انگ‌زنی اجتماعی دائمی به فرد می‌شود. بنابراین، منظور از دادرسی و «اسرار دادرسی» در این مقاله، دادرسی کیفری و اسرار دادرسی کیفری و تمامی داده‌های هویتی، ادله اثباتی و محتویات پرونده است که از بدو تحت نظر قرار گرفتن متهم تا پایان اجرای حکم تولید می‌شود.

۵-۱-۵. اصول حاکم بر اسرار دادرسی کیفری

اسرار دادرسی کیفری نه به مثابه ابزاری برای پنهان‌کاری حاکمیت، بلکه به عنوان «مهندسی صیانتی عدالت» تلقی می‌شود که در تلاقی‌گاه حقوق بنیادین بشر و کارایی نظام قضایی شکل گرفته است:

۱) اصل برائت و پیوند آن با صیانت از شهرت. (آشوری، ۱۳۸۶، ۱۱۲)

۲) اصل محرمانگی تحقیقات مقدماتی. (خالقی، ۱۳۹۴، ۸۸)

۳) اصل صیانت از کرامت انسانی و حریم خصوصی: اصلی که در حقوق ایران با ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری همپوشانی دارد.

اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. (دیکسون، ۲۰۲۳، ۱۵۴) این رویکرد نشان‌دهنده درکی پیچیده از حق بر حریم خصوصی است که آن را نه حقی منفعل، بلکه سپری فعال برای حفظ عدالت‌رویه‌ای می‌داند. (سارات، ۲۰۱۷، ۲۰۳) در مجموع، حق بر حریم خصوصی در پرتو اسناد بین‌المللی و رویه‌های قضایی، چتر حمایتی گسترده‌ای بر فرآیند دادرسی کیفری می‌گستراند و افشای اطلاعات در این فرآیند را، جز در موارد ضروری و مبتنی بر قانون، نقض این حق بنیادین می‌شمارد. این نگرش، مبتنی بر این اصل است که امنیت قضایی و اعتماد عمومی به نظام عدالت، در گرو تضمین حریمی امن برای اصحاب دعوا است تا بی‌هراس از افشای خودسرانه اسرارشان، در جریان دادرسی مشارکت کنند.

۵-۲-۱-۲. حق بر دادرسی عادلانه

حق بر دادرسی عادلانه که در ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تضمین شده است، یکی از ارکان اساسی نظام‌های حقوقی مبتنی بر حاکمیت قانون است. این حق، مجموعه‌ای از تضمین‌های به هم‌پیوسته را در بر می‌گیرد که هدف نهایی آن، تأمین عدالت‌رویه‌ای و جلوگیری از محکومیت‌های ناروا است. افشای زودهنگام اطلاعات در فرآیند دادرسی کیفری، به ویژه انتشار هویت متهم یا ادله پیش از طی مراحل قانونی، می‌تواند بنیان این حق را به‌طور جدی متزلزل کند. در حقیقت، این افشا نه تنها یک تخلف اداری محسوب می‌شود، بلکه در سطحی عمیق‌تر، حمایت‌های ماهوی مندرج در حق بر دادرسی عادلانه را نقض می‌نماید. نخستین و مهم‌ترین مؤلفه‌ای که تحت

منفی نیست و دولت‌ها موظفند اقدامات ایجابی و مؤثری برای تضمین این حق در برابر تهدیدات ناشی از اشخاص ثالث، از جمله رسانه‌ها و بازیگران خصوصی، اتخاذ کنند. (مک‌مانس، ۲۰۱۹، ۴۵)

اطلاعات مرتبط با فرآیند دادرسی کیفری، به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی، به وضوح در قلمرو حمایت این حق قرار می‌گیرد. ماهیت این اطلاعات که اغلب شامل جزئیاتی حساس درباره زندگی، روابط خانوادگی، موقعیت اجتماعی و سوابق افراد است، آن‌ها را در کانون حمایت حق بر حریم خصوصی قرار می‌دهد. دادگاه‌های اروپایی حقوق بشر نیز در رویه‌های قضایی خود بارها بر این ارتباط تنگاتنگ تأکید کرده‌اند و افشای اطلاعات محرمانه پرونده‌های قضایی را، پیش از رسیدگی نهایی، مصداق نقض حق بر حریم خصوصی دانسته‌اند. (کلوث، ۲۰۲۰، ۱۱۲)

از منظر فلسفی، پیوند ناگسستنی میان حق بر حریم خصوصی و مفهوم بنیادین کرامت انسانی وجود دارد. افشای اطلاعات دادرسی، به ویژه پیش از احراز مجرمیت، این حریم امن را در هم می‌شکند و فرد را در معرض داوری عمومی و پیش‌داوری‌های غیرمنصفانه قرار می‌دهد. (مک‌مانس، ۲۰۱۹، ۸۸) در رویه قضایی نظام‌های حقوقی مترقی نیز این تفسیر گسترده از حق بر حریم خصوصی مورد تأیید قرار گرفته است. برای نمونه، دیوان عالی بریتانیا در آرای متعدد خود بر این اصل پای فشرده که انتشار اطلاعات مربوط به مظنونان یا متهمان پیش از محاکمه، تنها در شرایطی استثنایی و با رعایت تناسب می‌تواند مجاز باشد و حفظ حریم خصوصی آنان به عنوان بخشی از حق بر دادرسی منصفانه، از

۵-۲-۱-۳. ممنوعیت رفتارهای تحقیرآمیز و غیرانسانی

ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با ممنوعیت رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، یکی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود که هیچ تخطی از آن تحت هیچ شرایطی مجاز نیست. این حمایت، فراتر از منع شکنجه جسمانی است و دامنه آن به جلوگیری از هرگونه عملی که موجب تحقیر شدید کرامت ذاتی انسان گردد، گسترش می‌یابد. این اقدام، با زیر پا گذاشتن حریم امن اطلاعاتی فرد، او را در معرض قضاوت، توهین و طرد جامعه قرار می‌دهد و رنجی عمیق و گاه ماندگار را به وی تحمیل می‌کند. (کارنوت، ۲۰۲۵، ۱۷۸)

دیوان‌های بین‌المللی و نهادهای نظارتی حقوق بشر در رویه خود بر این امر تأکید داشته‌اند که تحقیر می‌تواند اشکال غیرجسمانی نیز به خود بگیرد. هنگامی که افشای اطلاعات باعث شود فرد احساس خواری، تحقیر و از دست دادن شدید احترام در نزد خود یا دیگران کند، می‌تواند در قلمرو ماده ۷ میثاق قرار گیرد. این مسئله در مورد افرادی که در معرض افشای اطلاعات مربوط به وضعیت سلامت روان، سوابق خانوادگی یا جزئیات خصوصی زندگی خود قرار می‌گیرند، به وضوح مشهود است. (کانتو-ریورا، ۲۰۲۴، ۱۳۴) دولت به عنوان ضامن نهایی حقوق بشر، موظف است چارچوب‌های قانونی و اجرایی کارآمدی ایجاد کند تا از وقوع چنین آسیب‌های روانی-اجتماعی ناشی از انتشار اطلاعات جلوگیری نماید. این حمایت، بخشی لاینفک از حق بر دادرسی عادلانه است که در آن فرد نباید به

تأثیر قرار می‌گیرد، اصل بنیادین فرض بی‌گناهی است. (اسمیت، ۲۰۱۹، ۲۰۵)

افشای اطلاعات، مؤلفه حیاتی دیگر این حق، یعنی حق بر دفاع مؤثر را نیز مخدوش می‌سازد. هنگامی که جزئیات پرونده یا هویت متهم پیش از موعد در حوزه عمومی مطرح می‌شود، فضایی از پیش‌داوری و فشار اجتماعی ایجاد می‌کند که می‌تواند بر کلیه ارکان دادرسی تأثیر بگذارد. این فضا ممکن است در انتخاب وکیل مستقل و بی‌طرف مشکل ایجاد کند، شهود را بترساند یا تحت تأثیر قرار دهد، و حتی بر ذهنیت قضات نیز خدشه وارد نماید. در چنین شرایطی، امکان آماده‌سازی دفاعی مبتنی بر ادله و بدون تأثیر عوامل بیرونی به شدت کاهش یافته و برابری سلاح‌ها میان دادستان و متهم از بین می‌رود. (سویت و رایان، ۲۰۱۸، ۱۴۲)

در نهایت، این افشا با مؤلفه علنی بودن دادرسی نیز در تعارض است. اگرچه علنی بودن محاکمات به عنوان ضمانتی در برابر دادرسی‌های خودسرانه ضروری است، اما این حق مطلق نبوده و می‌تواند به دلایل موجهی محدود شود. (پیترز، ۲۰۱۶، ۳۱۷) بند ۱ ماده ۱۴ میثاق صراحتاً مقرر می‌دارد که حفظ نظم عمومی، اخلاق یا محافظت از زندگی خصوصی اصحاب دعوا می‌تواند دلیلی برای غیرعلنی کردن تمام یا بخشی از محاکمه باشد. افشای خودسرانه اطلاعات، نقض فاحش همین استثنای مشروع است. این اقدام، حریم خصوصی اصحاب دعوا را نادیده گرفته و نظم عمومی را که مشتمل بر امنیت قضایی و اعتماد به بی‌طرفی فرآیند دادرسی است، به مخاطره می‌اندازد.

حقوقی داخلی فراهم می‌سازند و از سوی دیگر، معیاری جهانی برای سنجش عملکرد دولتها در قبال تعهدات بشردوستانه‌شان ایجاد می‌کنند. آن‌ها بر این اصل پافشاری می‌کنند که امنیت قضایی و اجرای عدالت هرگز نباید مستمسکی برای نقض کرامت انسانی و هسته سخت حق بر حریم خصوصی افراد قرار گیرد.

۵-۲-۲. مبانی فقهی افشای اطلاعات

در این قسمت به تبیین مبانی فقهی حریم خصوصی اطلاعاتی و منع «افشای اسرار» در نظام حقوق اسلام پرداخته خواهد شد.

۵-۲-۲-۱. اصل کرامت ذاتی بشر

کرامت انسانی در فقه اسلامی، صرفاً یک توصیه اخلاقی نیست، بلکه یک مبنای هستی‌شناختی با آثار وضعی و تکلیفی است. این کرامت، منشأ پیدایش "حق بر مکتوم ماندن اسرار" و منع "هتک ستار" می‌گردد. مستند نخستین این اصل، آیه ۷۰ سوره مبارکه اسراء است. صاحب مجمع‌البیان در تفسیر این آیه، کرامت را شامل نعماتی می‌داند که خداوند به واسطه عقل و نطق به بشر اعطا کرده تا حافظ منزلت خویش باشد. از منظر فقهی، این کرامت ذاتی منشأ «حق بر حیثیت» است. پیامبر اکرم (ص) در حجه‌الوداع، حرمت عرض (آبرو و اسرار) را در کنار حرمت خون و مال قرار داده و فرمودند: «إِنَّ دِمَاءَكُمْ وَ أَمْوَالَكُمْ وَ أَعْرَاضَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ...» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ۳۰) در اینجا واژه‌ی «اعراض» مستقیماً به حوزه اسرار و حریم خصوصی اشاره دارد که افشای آن موجب وهن کرامت است. فقهای بزرگی همچون شیخ انصاری در بحث

عواقب غیرقابل جبران افشای اطلاعات پیش از احراز قطعی جرم دچار شود.

۵-۲-۱-۴. اسناد تخصصی و رویه قضایی

بین‌المللی

علاوه بر اسناد عام حقوق بشری، اسناد تخصصی و رویه قضایی بین‌المللی معیارهای دقیق‌تری را برای صیانت از اطلاعات در فرآیند دادرسی تعیین کرده‌اند. در سطح اسناد بین‌المللی، اصول اساسی راجع به استقلال قضایی که در سال ۱۹۸۵ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورد تأیید قرار گرفت، به صراحت بر لزوم محرمانه‌نگهداشتن مشاوره‌ها و اسرار مربوط به مذاکرات قضایی تأکید دارد. این اصل، استقلال داخلی دستگاه قضایی را تضمین کرده و شرط لازم برای اتخاذ تصمیماتی بی‌طرفانه و مستقل از فشارهای بیرونی می‌داند (کارنوت، ۲۰۲۵، ۱۸۱) نقض این محرمانگی، نه تنها اعتماد عمومی را مخدوش می‌سازد، بلکه بی‌طرفی قاضی را در معرض تردید قرار می‌دهد.

در سطح رویه‌قضایی، دیوان اروپایی حقوق بشر با صدور آرای مبنایی، مرزهای حق بر حریم خصوصی در فرآیند قضایی را ترسیم کرده است. رأی شاخص این دیوان در پرونده زد علیه فنلاند، نقطه عطفی در این زمینه محسوب می‌شود. در این پرونده، دیوان افشای اطلاعات پزشکی محرمانه بزه‌دیده توسط مقامات در جریان دادرسی کیفری را نقض ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (حق بر احترام به حریم خصوصی و خانوادگی) دانست. (بارکر، ۲۰۲۴، ۲۲۱) این دستاوردهای حقوقی بین‌المللی، از یک سو، الگویی برای تقنین و تفسیر در نظام‌های

صاحب آن تمایلی به برملا شدن آن‌ها ندارد، خروج از زیّ بندگی و هتک حرمت الهی است. شهید ثانی در مسالک‌الافهام تأکید می‌کند که افشای آنچه مکتوم بودنش سزاوار است، حتی اگر حاوی حقیقتی باشد، حرام و موجب ضمان شرعی است. (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۲۶۴) این اصل در نظام دادرسی اسلامی، تعهدی فراتر از پرهیز از تجسس را ایجاب می‌کند و نهادهای قضایی را موظف می‌دارد که به طور فعال از افشای اسرار افراد جلوگیری کنند. رویکرد "عیب‌پوشی" به جای "حقیقت‌یابی صرف"، نشان‌دهنده اولویت حفظ کرامت انسانی بر کشف بی‌پرده واقعیت‌ها در موارد حساس است. بدین ترتیب، اصل حرمت و عیب‌پوشی در فقه، تضمین‌کننده آن است که فرایند دادرسی خود به ابزاری برای هتک حرمت و افشای اسرار شهروندان تبدیل نشود.

۵-۲-۲-۳. اصل لزوم کتمان سر

در نظام حقوقی اسلام، صیانت از اسرار دادرسی و اطلاعات خصوصی، تحت حاکمیت اصل «لزوم کتمان سر» قرار دارد. این اصل بر پایه تکلیف امانت‌داری استوار شده است. در فقه، اطلاعاتی که در جریان یک فرآیند (اعم از دادرسی یا مجالست خصوصی) مبادله می‌شود، مصداق "سرّ مستودع" (راز به امانت سپرده شده) بوده و افشای آن شرعاً خیانت محسوب می‌شود. امیرالمؤمنین (ع) افشای سرّ دیگری را مصداق بارز خیانت دانسته و می‌فرماید: «مَنْ أَفْشَى سِرّاً اسْتُودِعَهُ فَقَدْ خَانَ»؛ یعنی کسی که رازی را که به او سپرده شده افشا کند، خائن است. (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ۳۲۱) شهید ثانی تأکید می‌کند که افشای سرّ، نقض پیمان

«حرمت غیبت و افشای عیوب» در کتاب المکاسب، معتقدند که افشای آنچه مؤمن بر پوشاندن آن کراهت دارد، هتک حرمت الهی است. (انصاری، ۱۴۲۰، ۳۲۳) در سیاست جنایی اسلام، صیانت از اسرار دادرسی (به ویژه در جرایم منافی عفت) یک حکم آمره است. برخی فقها از جمله حضرت امام خمینی (ره) در بحث امر به معروف و حریم خصوصی، معتقدند که افشای گناهان و اسرار شخصی حتی با رضایت صاحب سرّ، اگر منجر به جریحه‌دار شدن عفت عمومی یا ریختن قبح معصیت شود، جایز نیست. (خمینی، بی‌تا، ۴۷۶) براین اساس، می‌توان نتیجه گرفت که کرامت ذاتی بشر در فقه اسلامی صرفاً یک ارزش انتزاعی نیست، بلکه پایه‌ای برای قواعد الزام‌آور حقوقی در حمایت از حریم خصوصی محسوب می‌شود. این مبنای هستی‌شناختی، تعادل میان کرامت فردی و مصالح اجتماعی را به گونه‌ای برقرار می‌کند که حتی رضایت فرد نیز مجوزی برای هتک حرمت اسرار تلقی نمی‌گردد. بنابراین، اصل کرامت انسانی تضمین‌کننده آن است که حریم خصوصی افراد در برابر هرگونه تعرض مصون بماند.

۵-۲-۲-۲. اصل حرمت و عیب‌پوشی

یکی دیگر از مبانی بنیادین که در فقه امامیه به عنوان زیربنای حمایت از حریم خصوصی و منع افشای اسرار شناخته می‌شود، اصل "حرمت عرض" و تکلیف شرعی به "ستر" (پوشاندن عیوب) است. در دکتربین فقهی، صیانت از اسرار دادرسی تنها یک ترجیح اخلاقی نیست، بلکه واجبی شرعی است که ریشه در صیانت از شخصیت معنوی انسان دارد. لذا هرگونه تلاش برای کشف و افشای اطلاعاتی که

جرم، نمی‌توان بدون اذن و دلیل کافی به تفتیش زندگی شخصی افراد پرداخت. (محقق داماد، ۱۳۹۶، ۸) قاعده منع تجسس در حقیقت، خط قرمز و مرز نهایی ورود حاکمیت و نهادهای قضایی به حریم خصوصی افراد را ترسیم می‌کند و به صراحت، هرگونه جستجوگری برای کشف عیوب پنهان را ممنوع می‌سازد. این قاعده با ایجاد حرمت برای زندگی خصوصی افراد، مانع از آن می‌شود که ابزارهای قدرت، به بهانه کشف جرم یا تأمین نظم عمومی، به ابزاری برای هتک حرمت و بی‌حرمتی شهروندان تبدیل گردند. بدین ترتیب، منع تجسس در فقه اسلامی، تضمینی اساسی برای حفظ کرامت انسانی در برابر هرگونه تعرض غیرقانونی به حریم خصوصی محسوب می‌شود.

۵-۲-۲-۵. قاعده تسلیط

قاعده‌ی «تسلیط» که برآمده از حدیث نبوی «النَّاسُ مُسَلِّطُونَ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ [وَأَنْفُسِهِمْ]» است، دلالت بر اختیار مطلق انسان در مدیریت شئون مادی و معنوی خویش دارد. بر اساس این قاعده، اطلاعات دادرسی بخشی از مایملک معنوی اصحاب دعواست. همان‌گونه که تصرف در اموال دیگری بدون اذن وی حرام و موجب ضمان است، تصرف در سِرِّ و افشای اطلاعات خصوصی توسط کارگزاران، بدون اذن صاحب سِرِّ، مصداق تصرفِ عدوانی اطلاعاتی و نقض سلطنتِ مشروع فرد بر شئون خویشتن است. (بجنوردی، ۱۴۱۹، ۴۵) بررسی مبانی فقهی نشان می‌دهد که نظام حقوقی اسلام، قرن‌ها پیش از تدوین اسناد مدرن حقوق بشر، با تأکید بر کرامت ذاتی انسان و حرمت عرض او، حمایتی فراتر و مبتنی بر ارزش‌های الهی از حریم اطلاعاتی فرد

ضمنی میان دو طرف است و از آنجا که وفای به عهد واجب است، افشای غیرمجاز اطلاعات دادرسی توسط قاضی، وکیل یا ضابط، خُلف عهد الهی و خیانت در امانت شرعی تلقی گشته و مستوجب تعزیر است. (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۲۶۴) این اصل، امانت‌داری اطلاعاتی را به عنوان یک الزام حقوقی و اخلاقی در تمام مراحل دادرسی نهادینه می‌کند و افشای اسرار را مصداق بارز نقض اعتماد عمومی می‌داند. بر این اساس، هر یک از کنشگران نظام قضایی اعم از قاضی، وکیل و ضابط، در قبال اطلاعاتی که در فرآیند دادرسی به آن دست می‌یابند، در جایگاه امین قرار دارند و مسؤولیت شرعی و قانونی در قبال حفظ آن‌ها بر عهده دارند. بنابراین، اصل لزوم کتمان سر، ضمانت اجرایی مؤثری برای تضمین محرمانگی اطلاعات در نظام دادرسی اسلامی فراهم می‌آورد.

۵-۲-۲-۴. قاعده منع تجسس

قاعده منع تجسس یکی از کلیدی‌ترین مبانی فقهی در صیانت از حریم خصوصی و منع "افشای اسرار" است. مبنای قطعی این قاعده، نص صریح قرآن کریم در سوره مبارکه حجرات است: «...وَلَا تَجَسَّسُوا...». مقدس اردبیلی در زبده‌البیان تصریح می‌کند که «لاتجسسوا» یعنی در جست‌وجوی عیوب پنهان مسلمانان نباشید تا آبروی آن‌ها در معرض افشا قرار نگیرد. (مقدس اردبیلی، بی‌تا، ۴۱۷) بنابراین، تجسس مقدمه‌ی ذی‌المقدمه برای "هتک سِرِّ" و "افشای سرِّ" است. از منظر فقهی، دلیلی که از طریق حرام (تجسس غیرقانونی) به دست آید، نمی‌تواند مبنای حکم شرعی قرار گیرد. آیت‌الله محقق داماد تأکید می‌کند که حتی برای تعقیب

۱) نظریه برچسب‌زنی (Labeling Theory): یکی از بنیادین‌ترین مبانی جرم‌شناختی صیانت از اسرار، جلوگیری از فرآیند «انگ‌زنی» و ایجاد «داغ ننگ» است. طبق آراء «ادوین لمرت»، افشای اسرار دادرسی کاتالیزور تبدیل انحراف اولیه به انحراف ثانویه است. در فضای مجازی، این برچسب‌زنی به دلیل «ماندگاری ابدی داده‌ها» (Digital Permanence)، دائمی و جهانی می‌شود و فرد را به سمت مرگ مدنی سوق می‌دهد. (محسنی، ۱۳۹۵، ۸۸)

۲) بزه‌دیدگی ثانوی (Secondary Victimization): افشای اطلاعات تنها متهم را هدف قرار نمی‌دهد، بلکه اغلب منجر به آزار مجدد بزه دیده می‌گردد. نیلز کریستی، معتقد است افشای اطلاعات خصوصی ممکن است باعث شود جامعه بزه دیده را «مقصر» جلوه دهد (سرزنش قربانی). صیانت از اسرار، سدی در برابر این قضاوت‌های ناعادلانه است. (محسنی، ۱۳۹۵، ۱۲۰)

۳) نظریه فعالیت‌های روزمره (Routine Activity Theory): این نظریه تبیین می‌کند که چرا افشای اطلاعات در عصر حاضر افزایش یافته است. امروزه به دلیل ضعف در ساختارهای امنیتی و زوال اخلاق حرفه‌ای (فقدان محافظ مقتدر)، دسترسی به اطلاعات آسان شده است. برخی معتقدند توسعه فناوری، سهولت دسترسی را به سهولت افشا، تبدیل کرده است. (انصاری، ۱۳۸۶، ۳۴۰)

۴) عدالت رویه‌ای و زوال بازدارندگی: افشای خودسرانه اطلاعات دادرسی، کارکرد ارعایی مجازات را مخدوش می‌کند. طبق نظریه "تام تایلر"، شهروندان زمانی از قانون تبعیت می‌کنند که فرآیند

به عمل آورده است. این مبانی، نه تنها با چارچوب‌های بین‌المللی مانند حق بر حریم خصوصی سازگار است، بلکه بر جنبه‌های معنوی و اخلاقی آن تأکیدی مضاعف دارد.

۵-۲-۳. مبانی اخلاقی افشای اطلاعات

اخلاق، زیربنای قواعد حقوقی است و پیش از آنکه قانون‌گذار افشای اطلاعات را جرم‌انگاری کند، وجدان اخلاقی آن را تقبیح نموده است. از منظر دکتر باقر انصاری، مبانی اخلاقی حریم خصوصی، کرامت ذاتی انسان است. ایشان معتقد است اخلاق اقتضا می‌کند که فرد بر تصویر اجتماعی خود کنترل داشته باشد. افشای اطلاعات دادرسی، این استقلال را سلب کرده و فرد را در برابر قضاوت‌های ناعادلانه توده مردم بی‌دفاع می‌سازد. (انصاری، ۱۳۸۶، ۸۲) همچنین افشای اطلاعات توسط کارگزاران دادرسی از منظر اخلاقی، مصداق بارز «خیانت در امانت» است. برخی تأکید می‌کنند که اخلاق حرفه‌ای حکم می‌کند کارگزار قضایی، صندوقچه‌ی اسرار اصحاب دعوا باشد. (محسنی، ۱۳۹۵، ۱۱۲) از منظر فایده‌گرایی نیز، افشا تنها زمانی اخلاقی است که «خیر کثیری» در میان باشد. در غیر این صورت، افشای اسرار دادرسی صرفاً برای ارضای کنجکاوی عمومی، عملی غیراخلاقی است. (انصاری، ۱۳۸۶، ۳۱۵)

۵-۲-۴. مبانی جرم‌شناختی افشای اطلاعات

جرم‌شناسی به عنوان دانش مطالعه پدیده مجرمانه، افشای اطلاعات دادرسی را نه تنها یک نقض قانون، بلکه عاملی در بازتولید جرم و اختلال در کنش‌های اجتماعی می‌داند.

۵-۳-۲. لایه فراتقنینی (اصول قانون اساسی و اسناد بالادستی)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سنگ بنای صیانت از حریم خصوصی اطلاعاتی را در اصول متعدد بنا نهاده است. اصل ۲۲ مقرر می‌دارد: «حیثیت، جان، مال... اشخاص از تعرض مصون است». همچنین اصل ۲۵ با ممنوعیت مطلق تجسس و افشای مکالمات (مگر به حکم قانون)، هرگونه نشت اطلاعات ارتباطی را نامشروع می‌داند. مهم‌ترین چالش در این لایه، اصل ۱۶۵ قانون اساسی است که بر "علنی بودن محاکمات" تأکید دارد. برخی حقوقدانان معتقدند منظور از «عفت عمومی» و «نظم عمومی» در ذیل این اصل، شامل حفظ حریم خصوصی و اسرار افراد نیز می‌شود (هاشمی، ۱۳۸۵، ۳۰۲) بنابراین اصل ۱۶۵ عملاً مجوز عدم افشای اطلاعات در مواقع حساس را به مراجع قضایی می‌دهد. علاوه بر قانون اساسی، «سیاست‌های کلی نظام در امور امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات (افتا)»، صیانت از حریم خصوصی را هم‌تراز با امنیت ملی قرار داده است. بند ۹ این سیاست‌ها بر رعایت موازین شرعی در حفظ حقوق فردی تأکید دارد که نشان‌دهنده‌ی یک «پارادایم امنیتی-حمایتی» است؛ بدین معنا که افشای اطلاعات شهروندان، نه تنها نقض حق فردی، بلکه اخلال در امنیت ملی سایبری محسوب می‌شود. (اسدی، ۱۳۸۸، ۴) مع الوصف، این اصول، تعبیر داخلی از تعهدات بین‌المللی ایران (به ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که ایران به آن ملحق شده) هستند.

دادرسی را منصفانه و «محرمانه» بدانند. زمانی که شهروند حس کند اسرارش در دادگستری امن نیست، به سمت «انتقام خصوصی» حرکت می‌کند. (محسنی، ۱۳۹۵، ۱۵۵)

۵-۳. واکاوی مبانی حقوقی در سیاست جنایی ایران

مسئله افشای اطلاعات در فرآیند دادرسی علاوه بر مقررات صریح قانونی، محل بحث‌ها و نظریات گوناگون در ادبیات حقوقی است. سیاست جنایی ایران در قبال این پدیده، سیری تکاملی را از «رویکرد سنتی حفاظت فیزیکی» به «پارادایم نوین حکمرانی داده‌ها» طی کرده است.

۵-۳-۱. تحولات تاریخی و گذار تقنینی

سیر تطور قانون‌گذاری در ایران نشان‌دهنده گذار از نظام‌های دادرسی اتهامی-سنتی به نظام‌های مدون است. با تصویب «قانون موقتی اصول محاکمات جزایی» در سال ۱۲۹۰ شمسی، برای نخستین بار بر محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی تأکید شد. برخی اشاره می‌کنند که قانون‌گذار مشروطه با درک لزوم حفظ بی‌طرفی، «سکوت قضایی» را به عنوان یک تکلیف برای قضاوت تحقیق پیش‌بینی کرد. (آشوری، ۱۳۸۶، ۶۷) در نهایت، با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، سیاست جنایی ایران به سمت «حقوق بشری کردن اطلاعات» حرکت کرد. ماده ۹۱ این قانون، افشای اطلاعات را صراحتاً جرم‌انگاری کرده و آن را ضامن اصل براءت می‌داند. برخی تأکید دارند که این تحول تاریخی، افشا را از یک تخلف اداری به یک جرم علیه عدالت قضایی ارتقا داده است. (خالقی، ۱۳۹۴، ۱۰۲)

۵-۳-۳. لایه تقنینی (جرمانگاری‌های صریح)

در قوانین عادی، مقنن با رویکردی واکنشی، افشای اطلاعات را در فروض مختلف جرم‌انگاری کرده است. قانون مجازات اسلامی: ماده ۶۴۸ این قانون، رکن رکن حمایت کیفری از اسرار حرفه‌ای است. این ماده با جرم‌انگاری افشای اسرار توسط اطباء و «کلیه کسانی که به مناسبت شغل محرم اسرار می‌شوند»، شامل قضات، وکلا و کارشناسان رسمی نیز می‌گردد.

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: ماده ۹۱ صراحتاً تحقیقات مقدماتی را محرمانه دانسته و افشای آن را جرم می‌انگارد. ماده ۹۶ انتشار تصویر و هویت متهم را جز در موارد استثنایی ممنوع کرده است. همچنین مواد ۳۵۲ و ۳۵۳ با مدیریت نحوه برگزاری و انتشار اخبار دادگاه، سعی در ایجاد توازن میان "حق جامعه بر آگاهی" و "حق متهم بر حیثیت" داشته‌اند. (خالقی، ۱۳۹۴، ۱۰۲)

قانون برنامه ششم توسعه: مواد ۷۴ (سامانه پرونده الکترونیک سلامت) و ۱۱۷ (سامانه شناسایی اموال محکوم‌علیه) این قانون، بر «محرمانگی داده‌های حساس» تأکید دارند. ماده ۱۱۷ تصریح کرده است که اطلاعات اموال محکومین «دارای طبقه‌بندی محرمانه» است و صرفاً با تأیید قضات منصوب رئیس قوه قضائیه قابل دسترسی است.

۵-۳-۴. لایه فروتقنینی و اسناد تحولی نوین

نقطه قوت و نوآوری نظام حقوقی ایران در سال‌های اخیر، تصویب اسناد تحولی و دستورالعمل‌های اجرایی است که رویکرد «پیشگیری وضعی» و «صیانت هوشمند» را

جایگزین رویکردهای سنتی کرده‌اند. این اسناد عبارتند از:

۵-۳-۴-۱. سند تحول و تعالی قضایی

سند تحول و تعالی قوه قضائیه (ابلاغی ۱۴۰۳) به عنوان یک سند راهبردی، لایه‌های نوینی از مدیریت اطلاعات قضایی را ترسیم کرده است. این سند از پارادایم سنتی "محرمانگی مطلق" به سمت «شفافیت هوشمند و صیانت‌محور» حرکت کرده است:

الف) دسترسی برخط و اعتبارسنجی قضایی: سند بر «تقارن اطلاعاتی» تأکید دارد. راهبرد «اعتبارسنجی قضایی» (راهبرد ۱، مأموریت ۵) امکان استعلام سوابق محکومیت قطعی اشخاص را برای طرفین معامله فراهم می‌کند. این نوعی «افشای قانونی محدود» با هدف پیشگیری از جرم است.

ب) صیانت از حقوق متهم (محرمانگی حمایتی): سند در مبحث ۹ فصل ۳، ضابطان را مکلف کرده است برای هرگونه اطلاع‌رسانی درباره پرونده‌های قضایی، مجوز مرجع قضایی کسب کنند. این بند مستقیماً برای جلوگیری از "محاكمه رسانه‌ای" و نشت اطلاعات پیش از اثبات جرم طراحی شده است.

رویکرد "صیانت هوشمند"، در راستای ایفای تعهدات مثبت دولت (Positive Obligations) در قالب حقوق بشر است؛ یعنی دولت نه تنها باید از افشا توسط نهادهای خود جلوگیری کند (تعهد منفی)، بلکه باید با ایجاد نظام‌های امنیتی کارآمد

الف) بی‌نام‌سازی (Anonymization) مطابق ماده ۵، انتشار آراء قضایی جهت نقد علمی الزامی است، اما با قید صریح: «بدون نام و مشخصات اصحاب دعوا و با حفظ حریم خصوصی». هدف این است که محتوای رأی موجب شناسایی هویت افراد و ایجاد «داغ ننگ» نگردد.

ب) افشای تنبیهی (ماده ۲): در جرایم فساد اقتصادی (بیش از یک میلیارد ریال)، افشای نام محکومان در رسانه ملی یک تکلیف الزامی است که رویکرد «کیفردهنده» به افشای اطلاعات را نشان می‌دهد.

۵-۳-۴-۴. سند امنیت قضایی (سال ۱۳۹۹)

این سند در ماده ۵، پارادوکس «شفافیت و حریم خصوصی» را مدیریت کرده است. بند ۳-پ مقرر می‌دارد که آراء قطعی با «حفظ حریم خصوصی اشخاص» منتشر شوند. همچنین ماده ۱۴ بر «منع افشای هویت گزارشگران فساد» تأکید دارد که یک استثنای مشروع بر اصل شفافیت با هدف پیشگیری از انتقام‌جویی است. ماده ۱۳ نیز «حریم خصوصی» را شامل اطلاعات و ارتباطات خصوصی دانسته و هرگونه دسترسی بدون حکم قانون را ممنوع کرده است.

۵-۳-۴-۵. دستورالعمل حفاظت از اسناد و اطلاعات (سال ۱۳۸۵)

این سند مادر، بر «پیشگیری وضعی فیزیکی» تمرکز دارد. مواد ۱۰ و ۱۳ الزام به نگهداری پرونده‌ها در کمدهای قفل‌دار و صندوق‌های رمزدار را پیش‌بینی کرده‌اند. ماده ۲۱ نیز صراحتاً «مصاحبه و اظهار عقیده در خصوص براءت یا مجرمیت» را

(تعهد مثبت)، از افراد در برابر افشا توسط دیگران نیز محافظت کند.

۵-۳-۴-۲. دستورالعمل هوشمندسازی فرآیندهای قضایی

با ابلاغ این دستورالعمل در خرداد ۱۴۰۳، سیاست جنایی ایران در قبال اسرار دادرسی از فاز «حفاظت فیزیکی» به فاز «صیانت الگوریتم‌محور» کوچ کرده است:

الف) دسترسی لایه‌بندی شده (ماده ۸): دسترسی مراجع به پرونده‌های یکدیگر باید با رعایت طبقه‌بندی اسناد و تنها برای مدت متعارف باشد. این مقرر مانع از افشای دائمی و بی‌ضابطه‌ی اطلاعات می‌گردد. ب) ردپای دیجیتال (ماده ۳۰): مرکز آمار موظف شده است اطلاعات مربوط به ورود هر یک از کاربران به پرونده را ثبت کند. این مکانیزم، یک تدبیر پیشگیری وضعی قدرتمند است که خطر شناسایی را برای افشاگران خودسر به حداکثر می‌رساند.

ج) حفظ حریم خصوصی در پلتفرم‌ها (ماده ۲۹): با ورود بخش خصوصی به خدمات قضایی، رعایت ملاحظات امنیتی در اتصال سامانه‌های ابلاغ به سکوه‌های خصوصی الزامی شده تا از افشای محتوای ابلاغیه برای واسطه‌ها جلوگیری شود. (محسنی، ۱۳۹۵، ۹۵)

۵-۳-۴-۳. دستورالعمل نحوه انتشار احکام دادگاه‌ها (سال ۱۴۰۰)

این سند مدل جدیدی از «شفافیت مدیریت‌شده» را ترسیم کرده است:

توسط قضات ممنوع کرده است تا از مسمومیت افکار عمومی پیشگیری شود.

۴-۵. چالش‌ها و خلاءهای قانونی موجود

علی‌رغم پیشرفت‌های چشمگیر در لایه‌های تقنینی و اجرایی، واکاوی دقیق نشان می‌دهد که سیاست جنایی ایران همچنان با چالش‌ها و خلاءهایی روبروست:

۱) خلاء در جرم‌انگاری افشا توسط اشخاص ثالث غیررسمی: قوانین فعلی (مانند ماده ۶۴۸ ق.م.ا) عمدتاً بر «صاحبان حرف» تمرکز دارند. اگر یک شهروند عادی یا «شهروند-خبرنگار» حاضر در دادگاه علنی، اطلاعات حساس را منتشر کند، انطباق عمل وی با عناوین مجرمانه دشوار است. حقوقدانان پیشنهاد کرده‌اند قانونی وضع شود که هر شاهد یا حاضر در جلسه را ملزم به عدم افشای هویت اصحاب دعوا کند. (موسوی، ۱۳۹۸، ۴۵)

۲) ابهام در فضای مجازی: ماده ۷۴۵ تعزیرات (جرایم رایانه‌ای) افشا را منوط به خصوصی بودن داده‌ها کرده است. اگر اطلاعات ماهیتاً خصوصی نباشد (مثل صورتجلسه دادگاه) اما انتشارش مصلحت نباشد، خلاء قانونی وجود دارد. پیشنهاد می‌شود جرم‌انگاری خاص «افشای غیرمجاز اطلاعات قضایی در فضای مجازی» صورت گیرد.

۳) افشای غیرعمدی (سهل‌انگاری): در حقوق ایران، جرم مستقلی برای «سهل‌انگاری در حفظ اسرار شغلی» (جز در اسناد دولتی) وجود ندارد. با توجه به دیجیتالی شدن داده‌ها، نشت ناشی از بی‌احتیاطی باید جرم‌انگاری شود.

۴) وضعیت پس از صدور حکم: ماده ۳۵۳ ق.آ.د.ک ناظر به مرحله رسیدگی است. وضعیت افشای اطلاعات پس از قطعیت حکم مبهم است. آیا بیان حقایق پرونده‌ای که مختومه شده، جرم است؟ مرز میان حق بر فراموشی مجرم و آزادی رسانه در این مرحله شفاف نیست.

در راستای چالش هم‌سویی با استانداردهای بین‌المللی باید عنایت داشت که، خلاءهای موجود (مثل عدم جرم‌انگاری افشا توسط شهروند-خبرنگاران) ممکن است منجر به عدم اجرای کامل تعهدات حقوق بشری ایران در زمینه تضمین دادرسی عادلانه و حریم خصوصی شود.

۶. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف واکاوی مبانی فقهی و حقوقی جرم‌انگاری افشای اطلاعات در فرآیند دادرسی کیفری، با تأکید بر تعهدات حقوق بشری ایران انجام شد. یافته‌ها نشان داد افشای اطلاعات صرفاً یک مسئله آیین‌دادرسی نیست، بلکه در قلب تعادل میان شفافیت قضایی، کرامت انسانی و اقتدار سیاست جنایی قرار دارد. بررسی تحولات تقنینی حکایت از گذار از رویکرد سنتی مبتنی بر حفاظت فیزیکی به پارادایم نوین «حکمرانی داده‌محور و صیانت هوشمند» دارد؛ پارادایمی که در اسنادی چون سند تحول و تعالی قضایی متجلی شده و اطلاعات قضایی را به مثابه دارایی‌های دیجیتال حیاتی تلقی می‌کند که نیازمند مهندسی امنیتی چندلایه و نظارت الگوریتمی هستند.

از منظر مبانی فقهی، نظام حقوقی ایران از پشتوانه‌ای غنی برخوردار است. اصولی چون کرامت

نیازمند تخصیص بودجه برای نوسازی زیرساخت‌ها و ایجاد نهاد نظارتی مستقل است.

در نهایت، تحقق تعهدات حقوق بشری مستلزم ایجاد «فرهنگ قضایی» جدیدی است که در آن حریم خصوصی اطلاعاتی، رکن اساسی دادرسی عادلانه و شرط حفظ اعتماد عمومی به دستگاه قضا تلقی شود. تنها از طریق ترکیب اصلاحات تقنینی، سرمایه‌گذاری در فناوری امن و تربیت نیروی انسانی آگاه می‌توان به توازن مطلوب میان حق جامعه بر شفافیت و حق فرد بر کرامت و دادرسی منصفانه دست یافت.

۷. سهم نویسندگان

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسندهٔ مسئول صورت گرفت.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

ذاتی انسان، حرمت عرض مؤمن، لزوم کتمان سر و قاعده تسلیط، نه تنها با مفهوم مدرن حق بر حریم خصوصی هم‌سو هستند، بلکه با تأکید بر جنبه‌های معنوی، بر آن عمق می‌بخشند. این مبانی زیرساخت مستحکمی برای جرم‌انگاری افشای اسرار در قوانین موضوعه، به ویژه ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی، فراهم آورده و نشان می‌دهد حمایت از حریم خصوصی اطلاعاتی در دادرسی، تکلیفی شرعی مبتنی بر کرامت الهی انسان است.

با این حال، ارزیابی این نظام در برابر معیارهای بین‌المللی حقوق بشر، خلاءهایی را آشکار می‌سازد. چالش اصلی نه در فقدان اصول کلی، بلکه در ضعف اجرای مؤثر و جرم‌انگاری دقیق و فراگیر است. دو حوزه به شدت آسیب‌پذیر شناسایی شد: نخست، مقابله با افشاگری‌های «شهروند-خبرنگاران» و اشخاص ثالث غیررسمی در فضای مجازی که قوانین فعلی عمدتاً ناظر بر کارگزاران رسمی است. دوم، پاسخ‌دهی به «نشست‌های غیرعمدی» ناشی از سهل‌انگاری یا ضعف سیستم‌های امنیتی که غالباً تنها ضمانت اجرای انضباطی دارند و فاقد پاسخ کیفری مؤثرند.

برای پر کردن این شکاف، اقدامات راهبردی زیر ضروری است: نخست، قانون‌گذار باید "افشای غیرمجاز اطلاعات دادرسی کیفری توسط هر شخص" را مستقل از موقعیت شغلی، به ویژه در فضای سایبری جرم‌انگاری کند. دوم، ایجاد عنوان مجرمانه "سهل‌انگاری منجر به افشای اطلاعات محرمانه قضایی" برای متصدیان سیستم‌های اطلاعاتی ضروری است. سوم، رویکرد "سیانت هوشمند" نباید در حد اسناد سیاستی باقی بماند و

منابع

منابع فارسی

- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، جلد چهاردهم، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳.
- کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵.
- محسنی، فرید، سیاست جنایی در فضای مجازی، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۵.
- محسنی، مرتضی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ پنجم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۵.
- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه: بخش جزایی، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۶.
- معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، انتشارات وزین، ۱۳۸۲.
- موسوی، سیدرضا، «چالش‌های محرمانگی در قانون آیین دادرسی کیفری جدید»، مجله حقوقی دادگستری، دوره هشتم، شماره دوم، ۱۳۹۸.
- هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵.

منابع لاتین

- Austin Sarat, Human Rights and Legal Judgments: The American Story, Cambridge University Press, 2017.
- Barker, J. Craig, The Pinochet Judgment Fifteen Years on, in: James A. Green, Christopher P.M. Waters, Adjudicating International Human Rights: Essays in Honour of Sandy Ghandhi, Brill, 2024.
- Black's Law Dictionary, Eleventh Edition, Thomson Reuters, 2022.

- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۶.
- ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف‌العقول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴.
- اردبیلی، احمد بن محمد، زبده البیان فی احکام القرآن، تهران، مکتبه المرتضویه، بی‌تا.
- اسدی، لیلیاسادات، «حفظ امنیت و هویت بزه‌دیدگان و گواهان در دادرسی‌های بین‌المللی»، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۸.
- انصاری، باقر، حقوق حریم خصوصی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۶.
- انصاری، مرتضی، کتاب مکاسب، جلد اول، قم، کنگره جهانی شیخ انصاری، ۱۴۲۰.
- بجنوردی، سید محمدحسن، القواعد الفقهیه، جلد دوم، قم، نشر الهادی، ۱۴۱۹.
- تمیمی‌آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۰.
- خالقی، علی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ ششم، تهران، انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۴.
- خمینی، سید روح‌الله، تحریرالوسیله، جلد اول، قم، دارالعلم، بی‌تا.

- Cantú-Rivera, Humberto, Towards Judicial Accountability in the Business & Human Rights Field? in: Vicente, Dário Moura, Towards a Universal Justice? Putting International Courts and Jurisdictions into Perspective, Brill, 2024.
- Carnwath, Robert J. A., Lord Carnwath of Notting Hill, Engaging in judicial dialogue: some reflections from the United Kingdom Supreme Court, in: Müller, Amrei, and Hege Elisabeth Kjos, Judicial Dialogue and Human Rights, Cambridge University Press, 2025.
- Dickson, Brice, Human Rights in the UK Supreme Court, Oxford University Press, 2023.
- Kloth, Matthias, Immunities and the Right of Access to Court under Article 6 of the European Convention on Human Rights, Martinus Nijhoff Publisher, 2020.
- McManus, Matthew, Making Human Dignity Central to International Human Rights Law: A Critical Legal Argument, University of Wales Press, 2019.
- Peters, Anne, Beyond Human Rights: The Legal Status of the Individual in International Law, Cambridge University Press, 2016.
- Smith, Rhona, International Human Rights Law, Oxford University Press, 2019.
- Sweet, Alec Stone, and Clare Ryan, A Cosmopolitan Legal Order: Kant, Constitutional Justice, and the European Convention on Human Rights, Oxford University Press, 2018.